

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۸ اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۵۶

مُلحدنامه

-۲۲-

داستان حاجی حسن

به پیش آمد آن حاجی سخت کیر
که از کیر او ناله می‌کرد، شیر
بمالید الماس را، بر بلور
در انداخت ماهی به دریای شور
فرو شد درو، آلت معده کوب
چو در قرص صابون^۱ تر میخچوب
غریوی برآمد، ز خان فضول
که ای حاجی پیر، حَجَّت قبول
ترا ماهی عمر، در شصت شد
چرا بُخْتِیت^۲ این چنین، سخت شد
نبود در گمان من ای نیک بخت
که کیر تو باشد برین گونه سخت
کلاهی و شالی بدو داد و گفت:
که پیوسته کیرت به کون باد جفت

^۱ - "صابون" مأخوذ از کلمه Savon فرانسوی ست و املایش به "سین" درست است، اینکه اعراب آن را به شکل "صابون" بنویسند، بر زبان دری اثری ندارد!!!
^۲ - "بُختی": "اشتر دوکوهانه بلخی" را گویند. نامگذاری این لغت بدین صورت به خاطر نام قدیم بلخ است، که "بُختی" بود.